

راهبردهای تروریسم

سعید توکلی^۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۹/۱۹

تاریخ دریافت: ۹۱/۷/۱۷

فصلنامه آفاق امنیت / سال پنجم / شماره شانزدهم - پاییز ۱۳۹۱

چکیده

مفهوم تروریسم از دیرباز در جوامع گوناگون مورد توجه بوده و متناسب با شرایط مختلف به کار رفته است. تعریف تروریسم قویاً به منافع دولت‌های قدرتمندتر و اهداف و منافع معرفین و اینکه با چه رویکردی به آن نگاه شود، بستگی دارد.

در واقع تروریسم عنوانی است که برای خشونت افراد، گروه‌ها و دولت‌های بدون حمایت قوی‌ترها به کار می‌رود. سازمان‌های تروریستی متناسب با اهداف و خواسته‌هایشان بر تغییر رژیم، تغییر منطقه و زمین، تغییر سیاسی، کنترل اجتماعی و حفظ وضع موجود متمرکز می‌شوند. همچنین راهبردهای متعدد و مختلف سازمان‌های تروریستی فرسایش (نبرد خواسته‌ها)، ارباب (حاکمیت ترور)، تحریک (برانگیختن فیوز)، ایذایی (خرابکاری صلح) و بالاترین پیشنهاد (متعصب علیه خائن) را شامل می‌شود که با توجه به موقعیت و شرایط خاص مورد استفاده قرار می‌گیرند.

واژگان کلیدی

تروریسم، اهداف تروریستی، راهبرد تروریسم



مقدمه

سال‌هاست که تروریسم در ادبیات سیاسی دنیا راه یافته است و در هر برهه متناسب با شرایط جهانی، منافع کشورها، سازمان‌های تروریستی یا جنبش‌های آزادی‌خواهانه تعریف و دارای اهداف خاصی می‌شود. تروریسم به عنوان پدیده‌ای با سابقه از قرن ۱۸ میلادی بیشتر با اهداف سیاسی به اجرا درآمد. در این قرن پدیده تروریسم در فرانسه نمود عینی پیدا کرد و در قرن ۱۹، با ظهور آنارشیست‌ها، رنگ و بوی سیاسی بیشتری یافت. آنارشیست‌ها معتقد بودند که دولت پدیده‌ای بی‌فایده است؛ بنابراین برای ساقط کردن دولت استفاده از خشونت و ترور مجاز است. ولی در قرن بیستم، تروریسم مفهومی پیچیده‌تر یافت و از این تاریخ تروریسم به عنوان پدیده‌ای با شکل جدید مطرح شد؛ به عبارت دیگر، علاوه بر اشکال قدیمی تروریسم مانند ارباب، قتل و کشتار، شکل‌های جدیدی هم‌چون خرابکاری، آدم‌ربایی و هواپیماربایی نیز وارد مجموعه تروریسم شد.

فعالیت‌های آزادی‌بخش فلسطینیان در سطح بین‌المللی از سوی استکبار جهانی به اقدامات تروریستی تعبیر و همین مسئله سبب شد که در نهایت با حمایت برخی کشورهای غربی، کمیسیون مبارزه با تروریسم در سازمان ملل شکل گیرد. با اینکه این کمیسیون کار مهمی صورت نداد، ولی توانست اقدامات مبارزه‌طلبانه و آزادی‌بخش را با عنوان واهی تروریسم محکوم و هر ساله گزارشی به سازمان ملل ارائه کند. بعد از پایان جنگ سرد، مبارزه با تروریسم گسترده‌تر شد و در کنوانسیون‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۹ چهار وظیفه جلوگیری از بروز حوادث تروریستی، سرکوب تروریست‌ها، استرداد مجرمین حوادث تروریستی و جلوگیری از ارائه کمک مالی برای کشورها در نظر گرفته شد.

حادثه ۱۱ سپتامبر فرصتی مناسب در اختیار آمریکا قرار داد تا در راستای اهداف استکباری خود، مبارزه جهانی با تروریسم با مفهوم مورد نظر خود را به خورد جامعه جهانی دهد. آمریکا نه تنها حمله و اقدامات پیش‌دستانه علیه تروریست‌ها و محاکمه آنها در محاکم داخلی این کشور را حق مسلم خود دانست، بلکه با استفاده از ظرفیت سازمان ملل مصوبات جدیدی در این سازمان گذراند؛ مانند اینکه شورای امنیت دارای صلاحیت جدید در خصوص مبارزه با تروریسم بین‌المللی است، پذیرش تلویحی تعریف آمریکا از تروریسم، بلوکه کردن دارایی‌های گروه‌ها یا دولت‌های متهم



به حمایت تروریسم و مجازات عاملین حمایت از تروریسم. آنچه مسلم است دولت‌ها و منافع آنها تأثیری گسترده بر تعریف تروریسم و راهبردهای مقابله با آن دارد.

ابهام تعریف تروریسم

تروریسم یکی از واژه‌های مبهم در عرصه بین‌المللی است که به علت پیچیدگی مفهوم و مصادیق با نوعی «بحران معنا» در تعریف و تحدید قلمرو مواجه است. تعاریفی که از تروریسم و ابعاد آن ارائه شده بیش از آنکه منطبق بر عینیت‌گرایی و پذیرش دوگانگی ارزش / واقعیت باشد، برگرفته از ساخته‌های گفتمانی و تبلیغی است. در شرایط بحران معنا در تعریف تروریسم چند پرسش اساسی مطرح می‌شود: چه چیزی تروریسم را از سایر اشکال منازعه خشونت‌آمیز متمایز می‌کند؟ چرا خشونت یک دولت یا گروه «تروریستی» و خشونت گروه یا دولتی دیگر «غیرتروریستی» معرفی می‌شود؟ چرا برخی گروه‌ها و افراد در یک زمان «مبارزان آزادی» معرفی و همان گروه‌ها، با حفظ ایدئولوژی افراطی خود، در زمان دیگر و در شرایط سیاسی دیگر «تروریست» نامیده می‌شوند؟

در حقیقت، تعریف تروریسم یکی از بهترین مثال‌ها از وجود گرایش‌هایی است که با در نظر گرفتن منافع معرفین آن، رسیدن به توصیف و تبیین بی‌طرفانه از آن غیرممکن می‌شود. پیوند میان مفهوم تروریسم و منافع و تکنولوژی قدرت گروه‌ها، احزاب و دولت‌ها علت اصلی شکست پروژه تعریف علمی این پدیده است. برای مثال می‌توان به موضع‌گیری متغیر دولت‌مردان آمریکایی در خصوص تروریسم اشاره کرد. رونالد ریگان در سال ۱۹۸۸ در دیدار با مجاهدان افغان و اعضای القاعده که در آن زمان در حال مبارزه با نیروهای اشغالگر شوروی در افغانستان بودند آنان را «مبارزان راه آزادی» هم‌چون بنیان‌گذاران آمریکا خوانده بود؛ در حالی که دولت‌مردان آمریکایی پس از وقوع حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ همین گروه را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار دادند. به هر حال، تصمیم به اینکه چه چیزی در گستره تعریف تروریسم یا تروریست‌ها قرار گیرد و چه چیزی خارج از آن شناسایی شود، قویاً به منافع دولت‌های قدرتمندتر بستگی دارد. در حقیقت، تروریسم عنوانی است برای خشونت افراد، گروه‌ها و دولت‌هایی که از حمایت قوی‌ترها بی‌بهره‌اند (Cox, 1981: 126 - 156).

به اعتقاد برخی از صاحب‌نظران، تروریسم اغلب مؤثر و کاراست و پاسخ مورد



انتظار را می‌دهد. آمریکاییان دو سال پس از حمله ۱۱ سپتامبر، سربازان خود را از عربستان سعودی عقب کشیدند (Natta, 2003) و نیروهای نظامی فلیپین از ترس حمله تروریستی القاعده از عراق خارج شدند (Glanz, 1954). در واقع، تروریسم بین سال‌های ۱۹۸۰ و ۲۰۰۳ موثر و اثربخش بوده است و نیمی از گروه‌های تروریستی انتحاری توانستند به اهداف خود در دولت‌های هدف دست یابند (Pape, 2005: 65). اعمال خشونت و زور، تعقیب اهداف سیاسی، ایجاد وحشت و ترس، تهدید واکنش‌های پیش‌دستانه آماج خشونت و سازمان‌یافتگی خشونت از ویژگی‌های تروریسم است. در حقیقت تعاریف تروریسم دست‌کم سه خصیصه مشترک را مد نظر قرار می‌دهند: اول، به کارگیری خشونت یا دست‌کم تهدید به اعمال آن؛ جی. آنجلو کورلت در این باره یادآور می‌شود که نیازی نیست تحقق عینی خشونت را تروریسم بنامیم، بلکه تهدید به اعمال آن نیز می‌تواند از عناصر ذاتی اعمال تروریستی باشد (Martin, 2003:33). دوم، خشونت با اهداف سیاسی؛ به منظور تفکیک تروریسم از سایر اشکال خشونت و اعمال بزهکارانه‌ای مانند قتل یا سوءقصد با انگیزه‌های اقتصادی و شخصی، برخی نویسندگان صرفاً گروه‌ها و بازیگرانی را در زمره تروریست‌ها قرار می‌دهند که درصدد تحت تأثیر قرار دادن اعمال و رفتار سیاسی حاکمان از طریق اعمال خشونت‌آمیزند (Keghy, 2003: 1). سوم، غیرنظامیان، آماج تهدیدها و آسیب‌های تروریستی؛ عنصر اصلی متمایزکننده تروریسم از سایر اشکال خشونت آسیب رساندن به شهروندان یا تهدید به اعمال خشونت علیه آنان است، به گونه‌ای که ایجاد ترس و به راه انداختن آثار روانی مخرب علیه شهروندان مهم‌ترین اعمال تروریستی قلمداد می‌شود (Jongman, 1988: 5).

در مطالعه‌ای با حضور ۱۰۹ کارشناس تروریسم و متخصصین دانشگاهی، تعریف تروریسم بررسی و تحلیل شد. بر اساس نتایج این تحقیق، عنصر خشونت در ۸۳ درصد تعاریف و اهداف سیاسی در ۶۵ درصد تعاریف بیان شده بود. ۵۱ درصد بر عامل ترساندن و ترور تأکید کردند و فقط ۲۱ درصد به استبداد و عدم تبعیض در تعریف تروریسم اشاره کردند. ۱۷ درصد نیز تروریسم را قربانی کردن شهروندان، افراد بی‌طرف و افراد غیرنظامی دانستند (Schmid and Jongman, 1988: 5 – 6). در دهه ۱۹۹۰ در بررسی تعاریف گوناگون تروریسم، مشاهده شد که تروریسم برای مفاهیمی هم‌چون نژادپرستی (آپارتاید)، تروریسم مشتری (آغشته به زهر کردن محصولات غذایی در



سوپرمارکت‌ها توسط باج‌گیران)، تروریسم اقتصادی (احتکار ارز و پول)، تروریسم دولتی به کار رفته است (Guelke, 1988: 1). بعضی دیگر تروریسم را ابزار دولتی می‌دانند. برای مثال، بمباران متفقین در جنگ جهانی دوم و انداختن بمب اتمی آمریکا بر سر مردم ژاپن اقدامات رژیم صهیونیستی علیه فلسطینی‌ها نوعی تروریسم دولتی است (Stern, 1999: 14).

تعریفی واحد حتی درون سازمان‌های امنیتی-اطلاعاتی یک کشور وجود ندارد. برای مثال در زیر تعاریف سه سازمان آمریکایی آورده می‌شود: وزارت دفاع آمریکا تروریسم را به کارگیری حساب‌شده خشونت غیرقانونی برای ایجاد ترس، با قصد مرعوب و مجبور کردن دولت یا جامعه در رسیدن به اهدافی می‌داند که عموماً سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیک است (U. S. Department of Defense, Office of Joint Chiefs of Staff, 2001: 531). اف‌بی‌آی نیز تروریسم را استفاده غیرقانونی زور و خشونت علیه افراد یا اموال برای مرعوب و مجبور کردن دولت، جمعیت غیرنظامی یا هربخش از آنها با هدف پیشبرد اهداف سیاسی یا اجتماعی تعریف کرده است. وزارت خارجه تروریسم را این‌گونه تعریف کرد که خشونت با انگیزه عمدی سیاسی علیه اهداف غیرنظامی توسط گروه‌های محلی یا گروه‌های زیرزمینی که غالباً به دنبال نفوذ در مخاطبین هستند (Office of the Coordinator for Counterterrorism, Patterns of Global Terrorism 2002, 2003: 13).

اینکه با چه رویکردی به مقوله تروریستی پرداخته شود، تعریف آن متفاوت می‌شود. نوام چامسکی در چارچوب رویکرد رادیکال معتقد است اگر تنها خصیصه مشترک میان تعاریف ارائه‌شده از تروریسم را کشتن غیرنظامیان با اهداف سیاسی بدانیم، هیچ کشوری مانند ایالات متحده آمریکا مرتکب اعمال تروریستی نشده است. به نظر وی، عرف و رویه شکل‌گرفته در چارچوب گفتمان سیاسی اجازه اشاعه تفکری را می‌دهد که ترور را سلاح ضعیفان علیه قدرتمندان قلمداد می‌کند. با وجود این، نباید فراموش کرد جنگ قدرتمندان علیه ترور که به کشتار بیشتر غیرنظامیان می‌انجامد خود از مصادیق تروریسم است. در حقیقت، جنگ منظم علیه ترور با سلاح‌های پیشرفته و مخرب بیش از جنگ‌های نامنظم تروریستی قربانی می‌گیرد (Chomsky, 2003: 189).

رویکرد نسبی‌گرا به تعریف تروریسم بر این عقیده است که مرز میان تروریسم دولتی- غیردولتی که در رویکرد مدرن بر آن تأکید می‌شود، مبهم و نامشخص است. به



عبارت ساده‌تر، در این نگاه گفته می‌شود که اگر تفاوت چندانی میان دولت‌های مدرن و تروریست‌ها از حیث به کارگیری خشونت سیاسی علیه غیرنظامیان وجود ندارد، چگونه می‌توان به ماهیتی اخلاقی بر اساس عینیت‌گرایی در تعریف تروریسم رسید؟ به سخن دیگر، رویکرد نسبی، شکاک و ذهن‌گراست و در آن هیچ تعریف و بازتعریف مدرنی پذیرفته نمی‌شود. حرف اساسی این رهیافت آن است که آنچه بر مبنای منافع سیاسی یک فرد، گروه یا دولتی خاص تروریسم به شمار می‌رود، برای ذهن دیگری یادآور «مبارزه در راه آزادی» است. این رویکرد ادعای تعاریف ارائه‌شده در خصوص تروریسم مبنی بر بی‌طرفی، علم‌محوری و عینیت‌گرایی را بی‌پایه و اساس دانسته و آنها را برخاسته از دغدغه‌های مضیق امنیتی قدرت‌هایی می‌داند که به مفهوم‌سازی آن می‌پردازند (Falk, P. 53).

اهداف تروریسم

بعضی روزنامه‌ها و مسئولان تروریست‌ها را افرادی دیوانه و بدون هدف یاد می‌کنند که فقط به دنبال ترساندن مردم هستند. هرچند افراد درون یک گروه تروریستی ممکن است اهدافی کوچک‌تر یا غیر از اهداف سازمان داشته باشند، ولی هر سازمان تروریستی اهدافی درازمدت دارد و به دنبال حصول نتایج سیاسی و کسب امتیازند. از آنجا که منظور از هدف، آرزو و خواسته نهایی است، می‌توان اهداف سازمان‌های تروریستی را به پنج دسته اصلی تقسیم کرد:

۱. تغییر رژیم: عقب‌نشینی دولت و جایگزینی خود یا کسی که مقبول آنها باشد (Hutchinson, 1972: 383-396). مارکسیست‌ها مانند «راه درخشان» در پرو با این هدف مبارزه می‌کردند.
۲. تجزیه طلبی: جدا کردن منطقه‌ای از دولت مرکزی با هدف ایجاد دولت جدید (مانند ببرهای تاملیل در سری‌لانکا) یا پیوستن آن منطقه به کشور دیگر (مانند لشکر طیبه در کشمیر هند که می‌خواهد کشمیر را به پاکستان ملحق کند).
۳. تغییر سیاسی: دامنه گسترده‌ای از خواسته‌های کوچک‌تر؛ برای مثال، طالبان از دولت پاکستان خواستار تغییرات در ابعاد مختلف می‌باشد.
۴. کنترل اجتماعی: تحمیل اراده و رفتار فردی به جای دولت؛ برای مثال در آمریکا گروه کولوس کلان به دنبال سرکوب سیاهان بود.



۵. حفظ وضع موجود: در این حالت گروه تروریستی با مخالفینی که می‌خواهند وضع موجود را برهم زنند به مخالفت می‌پردازد و مقابله می‌کند. اکثر سازمان‌های شبه‌نظامی راست‌گرای آمریکای لاتین از این هدف پیروی می‌کردند.

بدیهی است بعضی سازمان‌ها چند هدف را با هم پیگیری می‌کنند؛ برای مثال، چون هدف القاعده قطع حمایت آمریکا از رژیم‌های وابسته به غرب است، سعی می‌کند این رژیم‌ها را از بین ببرد (تغییر رژیم). در فهرست دفتر ضد تروریسم وزارت خارجه آمریکا ۴۲ سازمان به عنوان گروه‌های تروریستی آورده شده‌اند (Office of Counterterrorism, U.S. Department of State, 2005) که از بین آنها ۳۱ سازمان در پی تغییر رژیم، ۱۹ سازمان به دنبال تغییر منطقه و زمین، ۴ سازمان در پی تغییر سیاسی هستند و یک گروه می‌خواهد وضع موجود را حفظ کند. (بعضی گروه‌ها دو هدف را دنبال می‌کردند.) در این فهرست هیچ گروهی نمی‌خواهد کنترل اجتماعی داشته باشد.

راهبردهای تروریسم

تروریسم راهبرد مبتنی بر برخورد روان‌شناختی است و محققان زیادی بر عامل روان‌شناسی در تروریسم تأکید کرده‌اند: (Wilkinson, 1977: ۱; Crenshaw, 1983: 34-42) Wardlaw, 1977; ۱۱. سر باسیل لیدل هارت، یکی از نظریه‌پردازان برجسته قرن، می‌گوید تقریباً در تمام جنگ‌های قرن بیستم، فاتح در ابتدا دشمن خود را در حالت ضعف روانی و روان‌شناختی قرار داده و سپس حمله را آغاز کرده است (Liddell Hart, 1954: 163). همین نظر را ۲۵۰۰ سال پیش سون تزو بیان کرده است (Tzu, 1988, 3). با توجه به اینکه غالباً سازمان‌های تروریستی بسیار کوچک‌اند و حتی قوی‌ترین سازمان تروریستی در مقابل ضعیف‌ترین دولت تجهیزات و ابزار نظامی کمتری دارد، لذا از نظر فیزیکی امکان تفوق بر دولت‌ها را ندارند. عاملی که می‌تواند باعث برتری گروه‌های تروریستی بر دولت‌ها شود همانا عامل روان‌شناختی است. عامل تبلیغات نیز به عنوان یکی از اجزای روان‌شناسی راهبرد در تروریسم از زمان‌های گذشته مورد توجه بود (Laqueur, ch. 1) و باعث می‌شد که هر اقدام تروریستی را به عنوان پیشرو شکست رژیم و مشعل راهنمای آنها نشان دهد (Most, 1987: 105 - 106). برای مقابله با تروریسم به طور منطقی باید راهبردهای آن را درک کرد تا بتوان



ضدش را به کار برد. باید اقدامات تروریست‌ها و علامت‌دهی^۱ آنها را در هر حالت شناخت و نسبت به آن واکنش نشان داد. بین بعضی دولت‌ها و سازمان‌های تروریستی برای رساندن پیام و علامت‌دهی «ارتباط» وجود دارد، ولی بین بعضی دیگر این ارتباط وجود ندارد و زبان زور علامت اصلی تفهیم موضوع به یکدیگر است. تاکنون نظرهای گوناگونی درباره راهبردها و تاکتیک‌های تروریست‌ها بیان شده است. توماس تورنتون پنج هدف را برای تروریست‌ها بیان می‌کند: ساخت روحیه‌ای، تبلیغات، فاقد گرایش بودن جمعیت هدف، اضمحلال نیروهای مخالف و تحریک (Thornton, 1964: 87). مارتا کرانشاو نیز تبلیغات و تحریک را در کنار تضعیف دولت، تقویت نافرمانی مردم و بالاترین پیشنهاد به عنوان بهترین راهبرد تعیین می‌کند (Crenshaw, 1981: 372 – 399). دیوید فرمکین تحریک را به عنوان راهبرد تروریسم می‌داند (Fromkin, 1975: 683 – 698). ادوارد پرایس می‌گوید تروریست باید مشروعیت رژیم را پایمال کند و هزینه حضور در دولت را افزایش دهد. او دزدی، ترور، تبلیغات و تحریک را بهترین تاکتیک می‌داند (Price, 1977: 52 – 66).

تاریخچه و سوابق نظریات تروریسم با نکات قابل توجه «عدم قطعیت، کشمکش و علامت‌دهی» آغاز می‌شود. جفری بلینی معتقد است جنگ زمانی آغاز می‌شود که دولت قدرت خود را قبول ندارد و زمانی نیز پایان می‌یابد که کماکان موافق توانمندی و قدرت خود نیست (Blainey, 1988: 122). جیمز فیرون عدم قطعیت تمایل دولت‌ها برای جنگیدن را عامل نبردها می‌داند (Fearon, 1995: 379 – 414). عدم قطعیت درباره قابلیت اعتماد یا اعتدال می‌تواند عامل نبرد نیز باشد. توماس هابز بحث می‌کند که اگر افراد به هم اعتماد نداشته باشند، انگیزه پایه‌ریزی حمله را خواهند داشت تا اینکه با حمله‌ای ناگهانی غافلگیر شوند (Hobbes, 1968: 184). جان هرتس نظر توماس هابز را در روابط بین‌الملل به معمای امنیت^۲ و مدل مارپیچی^۳ مفهوم‌سازی کرد (Herz, 1950: 157 – 180). دولت‌ها نیز گاه درباره اهداف، نیت و اولویت‌های نهایی یکدیگر دچار عدم قطعیت می‌شوند؛ لذا اگر بقبولاند که دولت دیگری فریبکار، توسعه‌طلب و پذیرنده خطر است، امکان جنگیدن آن بیش از همکاری است. اگر عدم قطعیت درباره قدرت، تصمیم و قابلیت اعتماد به خشونت بینجامد،

- 1 . Signaling
- 2 . Security Dilemma
- 3 . Spiral Model



ارتباطات عامل کلیدی جلوگیری از نبرد خواهد بود. بیان شفاهی کلمات اغلب غیرقابل باور است، زیرا بازیگران غالباً دروغ می‌گویند و بلوف می‌زنند. لذا چون کلام بی‌ارزش شده است، دولت‌ها و تروریست‌ها که در پی نفوذ بر رفتار یکدیگرند، باید به علامت‌دهی رجوع کنند (Kydd, 2005). علامت‌های با ارزش اقدام ارزشمندی است که بلوف‌زن‌ها و دروغگویان تمایلی به آن ندارند (Riley, 2001: 432 - 428). در بحران‌های بین‌المللی، تحرک نیرو مثال راهبردی مناسبی است که این تصمیم کوچک بازیگر می‌تواند ارزش زیادی پیدا کند (Fearon, 1977: 68 - 90). جنگ یا گرایش به تحمیل آن می‌تواند به عنوان علامت قوی تصمیم و تهیه اطلاعات قابل اعتماد درباره قدرت و توانمندی به حساب آید (Reiter, 2003: 27 - 43). علامت ارزشمند گندم را از پوشال جدا می‌کند و باعث ارتباطات صادقانه می‌شود.

به طور کلی، پنج اصل راهبردی منطقی در علامت‌دهی از سوی سازمان‌های تروریستی وجود دارد:

۱. فرسایش: در این راهبرد تروریست‌ها در پی ترغیب دشمن هستند که استمرار سیاست خاص در مقابله با تروریست‌ها، برای آنها هزینه گزافی خواهد داشت.
۲. ارباب: تروریست‌ها قصد دارند مردم را متقاعد کنند که قدرت زیادی دارند و هرگونه نافرمانی را تنبیه می‌کنند و دولت نیز کاری از دستش برنمی‌آید و ضعیف است؛ لذا مردم باید آن‌گونه که تروریست‌ها می‌خواهند رفتار کنند.
۳. تحریک: تلاش برای اینکه دولت پاسخ تروریست‌ها را با خشونت همه‌جانبه و یکسان بدهد که در نتیجه مردم به حمایت از تروریست‌ها به پا خیزند.
۴. ایذایی: تک‌ایذایی برای متقاعدسازی دولت به اینکه جناح محافظه‌کار تروریست‌ها ضعیف و غیرقابل اعتنا هستند و به طور غیرمستقیم به سوی صلح مستقر پیش روند.

۵. بالاترین پیشنهاد: در این راهبرد تروریست‌ها سعی می‌کنند با به کارگیری خشونت مردم را متقاعد کنند که دارای راه‌حل‌های بزرگ‌تر و اساسی‌ترند؛ لذا حمایت

-
- 1 . Attrition
 - 2 . Intimidation
 - 3 . Provocation
 - 4 . Spoiling
 - 5 . Outbidding

از آنها به نفع‌شان است.

با توجه به اهداف سیاسی، تروریست‌ها باید دو نقش را بازی کنند: اول برای دولت که به دنبال نفوذ و تأثیرگذاری بر آنها هستند. دوم، برای افرادی که باید از آنها طرفداری کنند. در جدول زیر سه موضوع عدم قطعیت (قدرت، تصمیم و قابلیت اعتماد) با دو مخاطب (دولت و جمعیت خودی) در پنج راهبرد فوق مقایسه می‌شود. بدیهی است سازمان تروریستی ممکن است هم‌زمان از بیش از یک راهبرد استفاده کند. برای مثال، حادثه ۱۱ سپتامبر ممکن است دو راهبرد فرسایش و تحریک را تعقیب کند.

مقایسه راهبردهای تروریستی و مخاطبین

موضوع عدم قطعیت	قدرت تصمیم	دشمن	جمعیت خودی
	قدرت تصمیم	فرسایش	ارعاب
		ایدایی	بالاترین پیشنهاد
	قابلیت اعتماد	ایدایی	تحریک

فرسایش: نبرد خواسته‌ها

وظیفه مهم تروریست‌ها ترغیب دشمن به این است که قدرت‌شان زیاد است و هزینه نبرد با آنها بالاست و باید به خواسته‌های تروریست‌ها توجه کند (Overgard, 1994: 452 – 478). راهبرد فرسایش برای رسیدن به این وظیفه است (Smith, 1974: 209 – 211). در فرسایش، سازمان تروریستی توانمندی ضربه وارد کردن دارد و تهدیدش با هزینه فراوان و برای به دست آوردن امتیازات است. رابرت پیپ بمب‌گذاری انتحاری را جنگ تروریست‌ها برای فرسایش بیان کرده است (Pape, 2003: 343 – 361). اگر دولت‌ها به نزاع به صورت «مرگ و زندگی» توجه کنند، در مقابل حملات تروریست‌ها از پای در نمی‌آیند، هر چند طولانی‌مدت و ناگوار باشد. در این حالت حکومت از تمام توان برای مقابله با تروریست‌ها استفاده می‌کند تا بدون امتیازی بر آنها فائق آید.

۱. شرایط مناسب فرسایش

راهبرد فرسایشی در جنگ علیه بعضی اهداف مؤثرتر از اهداف دیگر است. اولین متغیر



میزان منافع دولت در نبرد است که بسیار اساسی است. دولت‌ها با منافع جانبی، بیشتر در معرض خطر تسلیم شدن در برابر خواسته‌های تروریست‌ها هستند تا دولت‌های با منافع مهم. برای مثال، عقب‌نشینی آمریکا از لبنان پس از انفجار مقر تفنگ‌داران دریایی به دلیل وجود منافع حاشیه‌ای آمریکا بود و در صورت داشتن منافع مهم و حیاتی، استقامت بیشتری نشان می‌داد؛ در حالی که پاسخ آمریکا در مقابله با حمله ۱۱ سپتامبر نشان‌دهنده وجود منافع حیاتی این کشور بود.

متغیر دوم، محدودیت در عمل متقابل (مقابله به مثل) هزینه تروریست‌ها را در راهبرد فرسایش افزایش می‌دهد. سازمان‌های تروریستی تقریباً همیشه از دولت‌ها ضعیف‌ترند، لذا هنگام مقابله به مثل دولت‌ها آسیب‌پذیرترند. محدودیت اصلی دولت‌ها در به کارگیری زور است. برای مثال، رژیم اشغالگر قدس با ابزار نظامی می‌تواند فلسطینیان را قتل‌عام کند، ولی چون نیازمند هم‌پیمانی نزدیک با اروپا و آمریکا است و آنها نیز با این روش مخالف‌اند، لذا نمی‌تواند از زور خود با نهایت وحشی‌گری استفاده کند. این محدودیت سبب می‌شود که راهبرد فرسایش کم‌هزینه‌تر باشد. سازمان‌های تروریستی مانند القاعده که بسیار پراکنده‌اند و به راحتی قابل شناسایی نیستند از راهبرد فرسایش بیشترین سود را می‌برند، زیرا دشمن نمی‌تواند آنها را پیدا کند.

متغیر سوم، ارزش تحمل اهداف است. دولت‌هایی که قادر به تحمل هزینه سنگین‌اند کمتر به سوی راهبرد فرسایش می‌روند. ارزش تحمل اهداف در سازمان‌های تروریستی بر دو عامل استوار است: نوع رژیم هدف و رفتار گذشته هدف نسبت به تروریست‌ها. نوع رژیم بسیار مهم است، زیرا رژیم دموکراتیک تحمل اقدامات تروریستی را کمتر از رژیم‌های دیکتاتوری دارد. در رژیم دموکراتیک رسانه‌ها به ترس مردم دامن می‌زنند و آسیب‌پذیری‌ها را نمایان می‌کنند و به دنبال پایان حملات تروریستی هستند؛ در حالی که در رژیم‌های مستبد تسلط بر رسانه‌ها بیشتر است و به افکار عمومی کمتر توجه می‌شود. دولت‌هایی که قبلاً به خواسته‌های تروریست‌ها پاسخ مثبت دادند احتمال حمله به آنها در آینده بیشتر است. مستندات نشان‌دهنده توجه تروریست‌ها به اولین عکس‌العمل دولت‌هاست و در صورت مشاهده علامت ضعف، تقویت می‌شوند. عقب‌نشینی رژیم اشغالگر قدس از لبنان در سال ۲۰۰۰ برای فلسطینیان بیانگر ضعف دولت غاصب بود و آنها را برای انتفاضه دوم تقویت کرد (Haaverts, 2001; Daoudkutab, 2000).

شاید بهترین گروه تروریستی نمونه به کارگیرنده راهبرد فرسایش القاعده باشد که



آن را علیه آمریکا به کار برد. اسامه بن لادن در نوامبر ۲۰۰۴ گفت که با جنگ چریکی و فرسایشی طی ۱۰ سال رژیم شوروی سابق شکست خورد، لذا با این روش (فرسایشی) به دنبال جنگ با آمریکا رفتیم تا مضمحل شود (Ben Luden, 2003: 241 – 242). بر این اساس القاعده و بن لادن اعتقاد داشتند که بعید است مورد حمله دشمن قرار گیرند و در نتیجه جنگ و راهبرد فرسایشی در صحنه جدید با آمریکا بهترین راهبرد است.

۲. بهترین پاسخ به فرسایش

دست کم پنج ضد راهبرد برای دولت‌های درگیر با سازمان‌های تروریستی با راهبرد فرسایش وجود دارد: اول، دولت‌های هدف می‌توانند موضوعات غیراصولی را در عوض دستیابی به صلح واگذار کنند که راهبردی نادر ولی قابل پذیرش است (Sederberg, 1995: 292 – 312). در بعضی موارد تروریست‌ها می‌خواهند موضوعی بدون چون و چرا انجام شود و هرچه طول بکشد نیز مهم نیست که در این حالت بهترین پاسخ دولت، امتیازدهی است. برای اینکه تروریست‌ها آن را نشانه ضعف ندانند باید با قدرت و پرزور به مقابله با جنگ فرسایشی رفت که علامت پرهزینه شدن برای تروریست‌ها باشد.

دوم، جایی که موضوع مورد منازعه به قدر کافی برای دولت هدف مهم است که نخواهد هیچ امتیازی بپردازد باید مقابله به مثل کند. مقابله به مثل ممکن است در قبال رهبران، هواداران، تجهیزات و سایر اهداف باارزش گروه تروریستی باشد. باید دقت کرد که در این حالت گاه سازمان تروریستی به راهبرد تحریک دست می‌زند. پاسخ شدید، راهبرد فرسایش را برای سازمان تروریستی هزینه‌بر می‌کند، ولی باید توجه کرد که ممکن است مردم بی‌گناه به عنوان اهداف تروریست‌ها، صدمه بخورند. سوم، دولت‌های سخت‌گیر نسبت به اهداف می‌توانند هزینه ضربات گروه تروریستی را به حداقل برسانند. اگر دولت هدف بتواند مانع اجرای حملات شود، راهبرد فرسایش قادر به افزایش هزینه نخواهد شد. بهترین مثال این ضد راهبرد، دیوار حائل بین رژیم اشغالگر قدس و کرانه باختری رود اردن و غزه است. ولی آمریکا موفقیت کمتری در حفظ و حراست از اهداف با ارزش خود پیدا کرده است (Flynn, 2004).

چهارم، دولت‌ها باید از دسترسی تروریست‌ها به سلاح‌های کشتار جمعی به خصوص هسته‌ای و بیولوژیک جلوگیری کنند. هر نوع سلاحی که هزینه زیادی در



راهبرد فرسایش داشته باشد، برای سازمان‌های تروریستی جذاب است. در روسیه امکان دسترسی سازمان‌های تروریستی به سلاح کشتار جمعی به دلیل کنترل ضعیف بر این منابع وجود دارد؛ لذا باید مراقبت‌های لازم را برای عدم دسترسی تروریست‌ها به این نوع سلاح‌ها انجام داد (Allison, Cote, Falkenrath and Miller, 1996).

پنجم، دولت‌ها باید هزینه روان‌شناختی تروریسم را به حداقل برسانند و تمایل مردم به اقدام اغراق‌آمیز را افزایش دهند. جان میولر خطر برخورد با تروریسم را بسیار کم می‌داند؛ احتمال قربانی اقدام تروریستی شدن شهروند آمریکایی برابر احتمال در معرض آتش‌سوزی است (Mueller, 2005: 487 – 505)؛ لذا نباید نظام آموزش عمومی خطر تروریسم را بیش از حد بزرگ کند. اگر آمریکاییان متقاعد شوند که خطر القاعده بیش از خطر سیگار یا چاقی نیست، بدیهی است که راهبرد فرسایشی القاعده کارا نخواهد بود. ولی آمریکا هزینه بسیاری برای سیاست‌های ضد تروریستی غیرسودمند خود می‌پردازد که نشان‌دهنده موفقیت راهبرد فرسایشی سازمان‌های تروریستی است.

ارباب: حاکمیت ترور

ارباب به راهبرد بازدارندگی، جلوگیری از رفتارهای ناخواسته به وسیله ابزار تهدیدها و علایم با ارزش وابسته است (Scholling, 1966). غالباً این راهبرد را سازمان‌های تروریستی که در پی پیروزی بر دولت‌های قدرتمند یا کنترل اجتماعی بر جمعیت خاص‌اند استفاده می‌کنند. تروریست‌ها برای رقابت با دولت‌ها در حمایت از جمعیت این راهبرد را به کار می‌گیرند. سازمان‌های تروریستی اهداف دولتی مانند شهرداران، پلیس و شهروندان طرفدار دولت را مورد حمله قرار می‌دهند. تروریست‌ها از راهبرد ارباب برای کنترل اجتماعی بر جمعیت استفاده می‌کنند. در افغانستان طالبان برای مخالفت با آموزش و پرورش دختران این راهبرد را به کار گرفت (Khan, 2006). راهبرد ارباب شامل دامنه‌ای از اقدامات مانند ترور افراد در قدرت و کشتار شهروندان همکار دولت است (Hutchinson, 1972: 390).

۱. شرایط مطلوب ارباب

وقتی هدف تغییر رژیم باشد، دولت ضعیف و بستر خشن دو عامل تسهیل ارباب‌اند. جنگ داخلی و تداوم آن در مناطقی مورد استفاده قرار می‌گیرد که دولت ضعیف باشد. این شرایط به گروه‌های کوچک شورشی اجازه می‌دهد که بخشی از کشور را از دولت

مرکزی جدا سازند (Fearon and Laitin, 2003: 75 – 90). ارباب علیه شهروندان در مسیر نادرست بین شورشگر و کنترل دولت برای ترساندن افراد به منظور جلوگیری از حمایت افراد از دولت به کار می‌رود.

وقتی هدف کنترل اجتماعی باشد، دولت ضعیف تسهیل‌گر ارباب است. وقتی نظام قضایی در برخورد با جرم ناشی از ارباب بسیار ضعیف باشد، افراد تحت حاکمیت دولت با ترس از گروه‌های تروریستی و شورشگر زندگی می‌کنند. نفوذ گروه‌های تروریستی در نظام قضایی هم‌چنین به کارگیری راهبرد ارباب را تسهیل می‌کند.

۲. بهترین پاسخ به ارباب

زمانی که هدف تروریست‌ها تغییر رژیم باشد، بهترین پاسخ به ارباب بازپس‌گیری قاطعانه منطقه از شورشگران است. این نوع پاسخ در راهبرد ملی ۲۰۰۵ پیروزی در عراق توسط آمریکا آورده شده است (United States National Security Council, 2005: 7). کاندولیزا رایس پاسخ مناسب را در آن زمان این‌گونه بیان کرد: «آزادسازی مناطق از کنترل شورشگران و نگهداری امن آن و ساخت بادوام مؤسسات ملی عراقی» (Secretary of State Condoleezza Rice, 2005: 109th Cong). اگر شورشیان فقط به مناطق خود دسترسی داشته باشند و کنترلی بر مناطق دولتی نداشته باشند، انگیزه‌ای برای کشتن مردم در مناطق دولتی نخواهند داشت. در نتیجه، پاکسازی و حفظ آن مناسب‌ترین پاسخ به شورشگر است، زیرا دسترسی آنها به مناطق بالقوه اهداف و اعمال راهبرد را محدود می‌کند (Sorley, 1999).

پاکسازی و حفظ نیز محدودیت خود را دارد، زیرا معمولاً نمی‌تواند کاملاً از نفوذ تروریست‌ها به مناطق دولتی جلوگیری کند. در سال ۲۰۰۲ جنگجویان چچن ۹۱۲ نفر را در قلب مسکو گروگان گرفتند که دولت با کشتن ۱۳۰ نفر توانست آن را پس بگیرد. در این شیوه مؤثرترین ضد راهبرد، حمایت اهداف برای جلوگیری از حمله است. بیشتر اوقات اکثر سازمان‌های دولتی نگران امنیت فیزیکی خود نیستند، چون کسی به دنبال صدمه به خود نیست. سازمان‌های اصلی دولتی مانند دادگاه‌ها بیشتر در معرض خطرند و باید از آنها حمایت کرد.

زمانی که هدف تروریست‌ها کنترل اجتماعی است، بهترین پاسخ تقویت نیروهای انتظامی است که نیازمند منابعی برای رسیدگی و تعقیب مجرمین است. بدیهی است



استفاده از سازمان‌های ملی برای مقابله با گروه‌های تروریستی مؤثرتر از سازمان‌های محلی است که احياناً دارای سمپاتی نسبت به گروه‌های تروریستی هستند. هم‌چنین می‌توان حفاظت بیشتری از اهداف بالقوه کرد.

تحریک: برانگیختن فیوز

راهبرد تحریک در تغییر رژیم و آزادی مناطقی به کار می‌رود که مورد استفاده بیشترین گروه‌های تروریستی هستند. این راهبرد در پی ترغیب مخاطبین محلی به این است که اهداف مورد حمله دشمن غیرمعتد است و باید در مقابل آنها به شدت مقاومت کرد. در این راهبرد گروه‌های تروریستی باید به گونه‌ای عمل کنند که نظر اکثریت مردم نسبت به دولت منفی شود. لذا سازمان‌های تروریستی ابتدا باید مردم معتدل را متقاعد کنند که تغییر رژیم ضروری است و استقلال و خودمختاری از دولت تنها راه است. در راهبرد تحریک، سازمان‌های تروریستی قصد تحریک دولت‌ها برای اقدام و پاسخ نظامی دارند که باعث صدمه به مردم در مناطق حضور تروریست‌ها می‌شود (Fromkin, 1975: 683 – 698). هدف این است که مردم متقاعد شوند که دولت دشمن است و اینکه اهداف رادیکالی تروریست‌ها تنها ضامن پیروزی است (Crenshaw, P. 387; Price, P. 58). نمونه آن را می‌توان اقدامات دولت اسپانیا علیه گروه باسک^۱ دانست که به گفته متخصصی، هیچ چیزی بیشتر از رها شدن نیروهای امنیتی بدون نظم در شهر و روستا باعث رادیکال شدن افراد نمی‌شود (Woodworth, 2001: 7). اعتدالیون به سوی رادیکالیسم می‌روند چون حملات دولت اطلاعات مهمی درباره نوع رهبری در قدرت و تمایلش به مذاکره با اعتدالیون به دست می‌دهد (Lake, 2002: 15 – 29). اگر دولتی توانایی پاسخ ویژه‌ای به تروریست‌ها داشته باشد ولی آن را انتخاب نکند، به این معنی است که نمی‌خواهد شهروندانش را درگیر جنگ کند. لذا تحریک روش تروریست‌ها برای فشار به دشمن است تا اطلاعات درباره خود را آشکار کند و هم‌چنین به سازمان کمک کند تا افراد جدید را جذب نماید (Mesqulta and Dickson, 2005). در این راهبرد، استبداد نظامی با اذیت و آزار سیاسی جمعی خود را نشان می‌دهد. ترور سیاسی و ترور پلیس به صورت روتین انجام می‌شود، مردم از همکاری با دولت سر باز می‌زنند، احساس عمومی نسبت به



دولت ستمگری و عدم توانایی حل مشکل است و به حذف فیزیکی مخالفین متوسل می‌شود (Marighella, 1971: 111).

۱. شرایط مطلوب تحریک

محدودیت عمل متقابل و نوع رژیم، عوامل مهم تعیین زمان موفقیت‌آمیز بودن تحریک‌اند. برای کارکرد تحریک، دولت باید ظرفیت سطح متوسط بیرحمی داشته باشد. دولت باید بداند که آرزو و توانایی ارتکاب قتل‌عام، هدف مناسبی برای تحریک نیست و پاسخ نمایندگان تروریست‌ها را از بین می‌برد. در جهت عکس، تأکید بیش از حد حکومت بر حقوق بشر و قانون‌گرایی بدون اینکه بتواند به آن عمل کند، خود هدف نامناسبی است، چون نمی‌تواند باعث تحریک شود. چنین دولتی هدف جذابی برای راهبرد فرسایش است، چون اگر برای توقف حمله خوب نباشد، برای تحریک نیز غیرمؤثر است.

ملاحظات سیاسی داخلی بر نوع پاسخ انتخابی رهبران تأثیر دارد. رژیم‌های دموکراسی بیش از رژیم‌های غیردموکراسی مستعد پذیرش تحریک‌اند. مردم صدمه‌دیده از تروریسم، از دولت درخواست توقف فعالیت تروریست‌ها را دارند. متأسفانه خیلی از ابزار ممیز ضد تروریسم، مانند هسته‌های نفوذی تروریستی، اطلاعات خود را با کشورهای دیگر سهیم می‌شوند و افرادی را دستگیر می‌کنند که در دید و حمایت مردم نیستند. رهبران رژیم‌های دموکراتیک بیشتر راهبردهای ضد تروریسم مردمی و کمتر ویژه را به کار می‌گیرند تا اقدام مؤثر دولت خود را اثبات کنند حتی اگر آن اقدامات تحریک‌آمیز باشند.

آمریکا در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آماده تحریک بود و القاعده نیز آن را به دقت درک کرد. در نوار ویدئویی بن لادن در سال ۲۰۰۴ آمده بود: «برای القاعده تحریک هیأت حاکمه آمریکا بسیار آسان است (Bin Ladan, 2005: 241 - 242). براساس نظرسنجی مؤسسه پو در سال ۲۰۰۴، اعتماد عمومی بین‌المللی به آمریکا به دلیل حمله به عراق کاهش یافت؛ هم‌چنین گزارش ۲۰۰۴ مؤسسه بین‌المللی مطالعات راهبردی نشانگر ترقی استخدام و تأمین مالی القاعده پس از حمله آمریکا به عراق است (International Institute for Strategic Studies, Strategic Survey, 2005). به تعبیر دیگر، همدردی با القاعده و نفرت از آمریکا در حال افزایش است



(Linzer, 2004). آرزوی هیأت حاکمه دولت بوش مبنی بر پیروزی بر صدام حسین به علت حمله ۱۱ سپتامبر در واقع خواست بن لادن بود که گفت: «اضمحلال صدام حسین برای القاعده بسیار مساعد است» (Woodward, 2004: 21 – 23; Bin Laden, PP. 241 – 242).

۲. بهترین پاسخ تحریک

بهترین پاسخ به تحریک، راهبرد ممیزی است که کمترین صدمه ثانوی ممکن را تحمیل و وارد کند. کشورها در پی تروریست‌ها و از بین بردن آنها و طرفدارانشان برای تقلیل خطر حمله آینده آنان هستند، ولی باید این اهداف را از چشم مردم دور نگه دارند که باعث همدردی با آنها شود. این نوع پاسخ ممیز نیازمند برتری اطلاعاتی است، ولی توانایی جمع‌آوری اطلاعات آمریکا در پاسخ به حمله ۱۱ سپتامبر محدود بود و حتی به کارگیری متخصصان بومی نیز با فوت زمانی روبه‌رو بود (Stockman, 2006). ضعف سازمان اطلاعاتی آمریکا در یافتن بن لادن و ایمن الظواهری و تصمیم آمریکا در حمله به عراق کاملاً مشهود بود (Zegart, 2005: 78 – 111).

ایذایی: تخریب صلح

هدف راهبرد ایذایی اطمینان از این است که شکاف صلح بین رهبران معتدل جناح تروریست‌ها و دولت هدف به نتیجه نخواهد رسید (Stedman, 1997: 5 – 53). تروریست‌ها زمانی به راهبرد ایذایی روی می‌آورند که رابطه بین دو دشمن در حال توسعه باشد و توافق‌نامه صلح اهداف گسترده تروریست‌ها را تهدید کند. توافق‌نامه صلح به تروریست‌ها هشدار می‌دهد، زیرا مردم معتدل از خشونت در حال پیشرفت کمتر از توافق و مصالحه بین دو گروه اعتدالی پشتیبانی می‌کنند. از منظر چشم‌انداز رادیکالیسم، خطر حقیقی توافق بین دو کشور است و خشونت از این امر جلوگیری می‌کند (Lewis, 2001: 54). چنین اتفاقی در مذاکرات صلح اعراب- رژیم اشغالگر قدس و مذاکرات بین کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها در ایرلند شمالی اتفاق افتاد.

راهبرد ایذایی در پی این هدف است که جناح معتدل تروریست‌ها نمی‌توانند به تعهدات و توافقات صلح خود پای‌بند باشند. در زمان مذاکرات صلح همیشه این شک وجود دارد که دو طرف به دنبال تحمیل اراده و نظر خود بر دیگری است. هر

طرف از عدم احترام طرف دیگر واهمه و ترس بازگشت به جنگ در شرایط نامطلوب دارد. بنابراین، حملات تروریست‌ها با هدف اقناع گروه هدف به اینکه جناح معتدل مخالف مذاکره‌کننده توان توقف تروریسم را ندارد، طراحی می‌شود؛ لذا امکان اعتماد به توافق‌نامه آنها وجود ندارد. اقدامات تروریستی طی مذاکره بسیار مؤثر است، زیرا احزاب مخالف به انگیزه یکدیگر اطمینان ندارند و منابع اطلاعاتی محدودی درباره نیت همدیگر دارند. بنابراین حتی رهبران معتدل تمایل به سرکوبی رادیکال‌ها دارند و از سوی دیگر، تروریست‌ها می‌دانند که خشونت به تنهایی ممکن است آنها را به اهدافشان نرساند.

۱. شرایط مطلوب ایزدایی

تروریست‌های با راهبرد ایزدایی زمانی که با دشمن معتدل روبه‌رو هستند، موفق‌تر و قوی‌تر خواهند شد (Kydd and Walter, 2002: 263 – 296). وقتی که حمله‌ای رخ می‌دهد، آنها نمی‌دانند اعتدالیون به مقابله با رادیکال‌ها می‌پردازند یا اینکه ضعیف‌اند و توانایی برخورد با تروریست‌ها را ندارند. برای مثال، بارها رژیم اشغالگر قدس از خود می‌پرسید که آیا عرفات توانایی توقف اقدامات تروریستی را نداشت یا اینکه مایل به این کار نبود؛ پس از پیروزی انتخاباتی عرفات در سال ۱۹۹۶ زمانی که رژیم اشغالگر قدس مطمئن شد عرفات مردمی و قدرتمندترین رهبر فلسطینی آن زمان است، نتیجه‌گیری کرد که عرفات در عین توانایی، نمی‌خواست حملات تروریستی را متوقف کند. لذا آن را علامتی برای عدم اعتماد به فرایند صلح عرفات تعبیر کردند (Ibid, PP. 279 – 289).

۲. بهترین پاسخ ایزدایی

زمانی که اعتماد متقابل بالایی وجود دارد، معاهده صلح، به رغم بعضی حملات تروریستی و آسیب‌پذیری‌های آن، از بین نمی‌رود. بهترین پاسخ به ایزدایی، راهبرد سازنده اعتماد و کاهش آسیب‌پذیری است. آسیب‌پذیری‌ها طی فرایند صلح به دو صورت بروز می‌کند: اول، آسیب‌پذیری‌های متقارن که زمانی رخ می‌دهد که هر دو طرف حالت دفاعی خود را کاهش دهند. برای مثال، زمانی که رژیم اشغالگر قدس کنترل خود را بر سرزمین‌های اشغالی کاهش داد، فلسطینیان نیز به خلع سلاح



گروه‌های تروریستی پرداختند. آسیب‌پذیری‌های متقارن قابل کنترل، رصد و بررسی توسط طرف سوم هستند و رصد باعث افزایش اعتماد طرفین و در نهایت رسیدن به موفقیت می‌شود (Schmidt, 2004).

دوم، آسیب‌پذیری‌های نامتقارن و طولانی‌مدت؛ در مذاکرات صلح فلسطین- رژیم اشغالگر قدس، توانمندی فلسطینی‌ها برای صدمه به اشغالگران افزایش یافت؛ آن هم زمانی که در پی ایجاد دولت مستقل و کسب ظرفیت نظامی بیشتر بودند. این تغییرات برای طرف مقابل اصلاً مناسب و قابل پذیرش نیست. این موضوع می‌تواند باعث تداوم نزاع بین طرفین شود و حتی مذاکره صلح را متوقف کند و بازگشت دوباره به جنگ را سبب شود (Powell, 2004: 231: 241).

بالاترین پیشنهاد: متعصب ضد خائن^۱

بالاترین پیشنهاد در دو حالت رخ می‌دهد: اول، دو حزب یا بیشتر به دنبال کسب رهبری جناح خود هستند و عامه مردم هم مطمئن نیستند که کدام گروه حافظ منافع آنهاست (Bloom, 2005). نمونه آن رقابت بین حماس و فتح برای کسب رهبری جامعه فلسطین و عدم قطعیت مردم به اینکه کدام یک می‌تواند منافع آنها را حفظ کند. دوم، اگر شهروندان اطلاع کافی درباره نظرات گروه‌های رقیب داشته باشند، راهبرد بالاترین پیشنهاد غیرضروری و غیرمؤثر است؛ شهروندان به راحتی از گروهی که منافع‌شان را تأمین کند، حمایت می‌کنند. در واقع، شهروندان نمی‌توانند از ترجیحات و نظرات گروه‌های رقیب برای رسیدن به قدرت مطمئن باشند. گروه قوی و استوار را، متعصب و گروه ضعیف، غیرمؤثر و دست‌نشانده را خائن می‌نامند. اگر شهروندان حامی متعصب باشند، ممکن است به پیروزی قوی دست یابند، ولی با ریسک مواجهه با دشمن و از دست دادن موفقیت. اگر شهروندان از خائن حمایت کنند، ممکن است صلح را به دست آورند، ولی به قیمت بالا؛ حتی با نزاع مسلحانه اضافی. گروه‌های رقیب بیشتر علامت متعصب را به جای خائن می‌فرستند.

برای کشش بیشتر گروه‌ها به سوی اقدامات نظامی، سه دلیل وجود دارد: اول، چانه‌زنی که درباره گروه‌های سخت و غیرمنعطف مفید است. عدم پذیرش پیشنهادها توسط گروه غیرمنعطف باعث می‌شود که سازمان مذاکره‌کننده پیشنهاد بهتری ارائه



کند (Muthoo, 1999: 230). برای مثال اگر حماس در مذاکره فلسطینی- اشغالگر شرکت کند، احتمال نتیجه بهتر برای فلسطینیان وجود دارد. دوم، عدم قطعیت درباره نوع دشمن مردم و گروه‌های رقیب؛ اگر مردم به غیرقابل اعتماد بودن دشمن‌شان معتقد باشند، دیگر گریزی برای نزاع وجود ندارد که در این حالت برخورد متعصبانه سودمند خواهد بود (Figueired and Weingast, 1999: 261 – 302). سوم، دارندگان میز و دفتر، انگیزه معامله ایجاد می‌کنند. شهروندان هراس دارند که رهبران‌شان به اصول آنها خیانت و با دشمنان در شرایط نامساعد سازش کنند. سازمان‌های تروریستی با استفاده از خشونت برای علامت‌دهی به این رفتار پاسخ می‌دهند.

جنبه جالب راهبرد بالاترین پیشنهاد این است که دشمن وابسته به تعامل راهبردی است. در حقیقت، حمله مبتنی بر راهبرد بالاترین پیشنهاد ممکن است؛ حتی اگر برای رسیدن به هدف خاصی از دشمن مانند ترک معاهده صلح و غلبه بر امتیاز انحصاری طراحی نشود. بالاترین پیشنهاد تفسیر بالقوه برای حملات تروریستی ادامه‌دار تهیه می‌کند حتی وقتی به نظر می‌رسد که نتیجه واقعی نیز تولید نمی‌کند.

۱. شرایط مناسب بالاترین پیشنهاد

بالاترین پیشنهاد در زمان رقابت چند گروه برای کسب وفاداری و پشتیبانی مردم، مورد توجه قرار می‌گیرد. برای مثال، پس از پیروزی اقدام نظامی در پرو و سرکار آمدن دولت انتخابی در سال ۱۹۸۰، گروه «راه درخشان» با انتخاب جنگ مسلحانه خود را از گروه دنباله‌رو سیاست انتخاباتی مجزا کرد (Ron, 2001: 582)؛ هم‌چنین با قتل و ترور باعث تضعیف گروه‌های چپ‌گرا و طرفداران‌شان شد. زمانی که سازمانی با رقابت کمتری مواجه است، راهبرد بالاترین پیشنهاد جذابیت کمتری دارد.

۲. بهترین پاسخ به بالاترین پیشنهاد

راه‌حلی برای مشکل بالاترین پیشنهاد، حذف قدرت توسط گروه‌های رقیب دلگرم‌کننده برای استحکام مخالف ترکیبی است. اگر رقابت بین گروه‌های مقاومت از بین برود، انگیزه بالاترین پیشنهاد نیز از بین می‌رود. جنبه منفی ضد راهبرد این است که «مخالف ترکیبی» ممکن است از مخالف تقسیم‌شده قوی‌تر باشد. راهبرد



جایگزین بالاترین پیشنهاد برای دولت، معتبر کردن راهبرد منتخب توسط گروه‌های غیرخسونت‌آمیز با اعطای امتیازات و تلاش برای موفقیت خواسته‌های آنهاست. انتخابات عراق در مناطق سنی‌نشین سال ۲۰۰۵ نشان‌دهنده شروع سقوط راهبرد بالاترین پیشنهاد در جوامع مخالف شدید نظام سیاسی جدید است (Filkins, 2005).

نتیجه‌گیری

انجام اقدامات تروریستی از قرن هیجدهم میلادی بیشتر با اهداف سیاسی توسط گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی به اجراء آمد در ابتدا سازمان‌های تروریستی با مجاز دانستن استفاده از خسونت و ترور، دست به ساقط کردن دولت‌ها می‌زدند اما در قرن بیستم، تروریسم مفهومی پیچیده یافت و از این تاریخ تروریسم به عنوان پدیده‌ای با شکلی جدید، ابعاد جدید و نهایتاً راهبردهای جدید دست به اقدام و فعالیت زد.

سازمان‌های تروریستی متناسب با اهداف و خواسته‌هایشان بدنبال تغییر رژیم، تغییر منطقه و زمین، تغییر سیاسی، کنترل اجتماعی و حفظ وضع موجود متمرکز می‌شوند. و با توجه به شرایط موجود اهداف کوچک و بزرگ و یا کوتاه مدت و بلند مدت اتخاذ می‌کنند. و یا اینکه در آن واحد چند هدف را بایکدیگر پیگیری می‌کنند. به طور کلی سازمان‌های تروریستی برای رسیدن به اهداف خود پنج راهبرد فرسایش، ارباب، تحریک، ایزدایی و بالاترین پیشنهاد را با توجه به موقعیت‌ها و شرایط مختلف به کار می‌گیرند. هر یک از راهبردهای به کار گرفته شده توسط سازمان‌های تروریستی در شرایط مطلوب و خاص به اجرا در می‌آید که در صورت شناخت مناسب نسبت به راهبرد اتخاذ شده توسط تروریست‌ها می‌توان بهترین پاسخ را در مقابله با آن عملیاتی نمود.

- Allison, Graham T., Owen R. Coté Jr, Richard A. Falkenrath, and Steven E. Miller (1996), *Avoiding Nuclear Anarchy: Containing the Threat of Loose Russian Nuclear Weapons and Fissile Material*, Cambridge, Mass: MIT Press.
- Bin Laden, Osama (2005), Messages to the World: The Statements ed. Bruce Lawrence, 'of Osama bin Laden, trans. James Howarth London: Verso, 2005.
- Messages to the World. -- Bin Laden
- The Causes of War, 3d ed. New York: Free - Blainey, Geoffrey (1988), Press.
- Dying to Kill: The Allure of Suicide Terrorism***, - Bloom, Mia (2005), New York: Columbia University Press.
- Hegemony or Surcical: America's Global*** - Chomsky, Noam (2003), ***Quest for Global Dominance***, New York: Henry Holt and Company.
- Terrorism: A Philosophical Analysis***, - Corlett, J. Angelo (2003), Dordrecht / Boston / London: Kluwer Academic Publishers.
- Counterterrorism Threat Assessment and Warning Unit, National Security Division, Federal Bureau of Investigation, Terrorism in the United States 1999: 30 Years of Terrorism – A Special Retrospective Edition, Washington, DC: United States Department of Justice, 1999, Online at <http://www.fbi.gov/publications/terror/terror99.pdf>.
- "Socia Forces, State and World Order: Beyond - Cox, Rrovert W. (1981), International Relations Theory", ***Millennium: Journal of International Studies***, 10. (2).
- Crenshaw Martha (Julg 1981), "The Causes of Terrorism", Comparative Politics, Vol. 13, No. 4.
- Crenshaw, Martha (1983), 'Introduction: Reflections on the Effects



of Terrorism' in Idem (ed.), *Terrorism Legitimacy and Power: The Consequences of Political Violence*, Middletown, T: Wesleyan UP.

"The Causes of Terrorism," - Crenshaw, Martha (July 1981), *Comparative Politics*, Vol. 13, No. 4.

- DaoudKuttab (2005), "The Lebanon Lesson," *Jerusalem Post*, May 25.

- Ethan Bueno de, Mesquita, "Politics and the Suboptimal Provision of Counterterror," International Organization (forthcoming).

- Falk, Richard A., "A dual Reality: Terrorism against State and Terrorism by the State" in Kegley Jr. (Ed).

"Signaling Foreign Policy - Fearon, James D. (February 1977), Interests: Tying Hands vs. Sunk Costs," *Journal of Conflict Resolution*, Vol. 41, No. 1.

- Fearon, James D. (Summer 1995), "Rationalist Explanations for War," *International Organization*, Vol. 49, No. 3.

- Fearon, James D. and David D. Laitin (February 2003), "Ethnicity, Insurgency, and Civil War," *American Political Science Review*, Vol. 97, No.

- Figueiredo, Rui J. P. de Jr. and Barry R. Weingast (1999), "The Rationality of Fear: Political Opportunism and Ethnic Conflict," in Barbara F. Walter and Jack Snyder, eds, *Civil Wars, Insecurity, and Intervention*, New York: Columbia University Press.

Including Sunnis, Vote in Large -- Filkins, Dexter (2005), "Iraqis Numbers on Calm Day," *New York Times*, December 16.

America the Vulnerable: How Our - Flynn, Stephen (2004), *Government Is Failing to Protect Us from Terrorism*, New York: Harper Collins.

"The Strategy of Terrorism", *Foreign* - Fromkin, David (July 1975), *Affairs*, Vol. 53, No. 4.



- “Hostage Is Freed after Philippine Troops Are - Glanz, James (2004), Withdrawn from Iraq,” *New York Times*, July 21.
- The Age of Terrorism and the International Political System*** - Guelke, Adrian (1998), New York: I. B. Tauris.
- Haaretz, Debate Goes on Over Lebanon Withdrawal, (May 23, 2001).
 - Herz, John H. (January 1950), “Idealist Internationalism and the Security Dilemma,” *World Politics*, Vol. 2, No. 2.
 - Hobbes, Thomas, *Leviathan*, New York: Penguin, [1651] 1968.
 - “The Concept of - Hutchinson, Martha Crenshaw (September 1972), Revolutionary Terrorism”, *Journal of Conflict Resolution*, Vol. 16, No. 3.
 - International Institute for Strategic Studies, Strategic Survey, 2003/4: An Evaluation and Forecast of World Affairs, London: Routledge, 2005.
 - The Ultimate Terrorists***, Harvard University - Jessica, Stern (1999), Press.
 - Keghy, Charles W. Jr. (Ed) (2003), ***The New Global Terrorism: Characteristics, Causes Controls***, Prentice Hall.
 - Khan, Noor (2006), “Militants Behead Afghan Principal for Educating Girls,” *Boston Globe*, January.
 - Kydd, Andrew and Barbara F. Walter (Spring 2002), “Sabotaging the Peace: The Politics of Extremist Violence”, *International Organization*, Vol. 56, No. 2.
 - Kydd, Andrew H. (2005), ***Trust and Mistrust in International Relations***, Princeton N. J.:Princeton University Press.
 - “Rational Extremism: Understanding - Lake, David A. (Spring 2002), *IO*, Vol. 56, No. 2. arst Century”, *Dialog* -Terrorism in the Twenty ***The Age of Terrorism***, Boston:Little, Brown, - Laqueur, Walter (1987), .especially Ch. I 1987,
 - Lewis, Bernard (2001) “The Revolt of Islam”, *New Yorker*, November 19.



- Liddell Hart, B. H. (1954), *Strategy: The Indirect Approach*, London: Faber.
- ” “Poll Shows Growing Arab Rancor at U.S., - Linzer, Dafna (2004), *Washington Post*, July 23.
- Marighella, Carlos (1971), “Minimanual of the Urban Guerrilla”, in *Terror and Urban Guerrilla*, Coral Gables, FLA: Univ. of J. Mallin (ed.), Miami Press.
- Understanding Terrorism, Challaenges, - Martin, Gus (2003), Perspectives, and Ieeues*, Thousand Oaks, CA: Sage Publishers.
- Mesquita, Ethan Bueno de and Eric S. Dickson (2005), “The Propaganda of the Deed: Terrorism, Counterterrorism and Mobilization,” *Washington University and New York University*.
- Most, J. (1987), 'Advice for Terrorists' in Walter Laqueur and Yonah Alexander, *The Terrorism Reader* NY: NAL Penguin.
- Mueller, John (Winter 2005), “Six Rather Unusual Propositions about No. 4. Terrorism,” *Terrorism and Political Violence*, Vol. 17, *Bargaining Theory with Applications*, - Muthoo, Abhinay (1999), Cambridge: Cambridge University Press.
- “The Struggle for Iraq: Last American - Natta Jr, Don Van (2003), Combat Troops Quit Saudi Arabia,” *New York Times*, September 22.
- Office of Counterterrorism, U. S. Department of State, “Foreign Terrorist Organizations,” Fact Sheet, October 11, 2005, <http://www.state.gov/s/ct/rls/fs/3719.htm>.
- Office of the Coordinator for Counterterrorism (April 2003), *Patterns of Global Terrorism 2002*, US Department of State Publication 11038, Washington, DC: State Department, Online at: <http://www.state.gov/documents/organization/20177.pdf>
- “The Scale of Terrorist - Overgaard, Per Baltzer (September 1994), Attacks as a Signal of Resources,” *Journal of Conflict Resolution*, Vol.



38, No. 3.

- Pape, Robert A. (2005), *Dying to Win: The Strategic Logic of Suicide Terrorism*, New York: Random House.

“The Strategic Logic of Suicide - Pape, Robert A. (August 2003), Terrorism,” *American Political Science Review*, Vol. 97, No. 3.

- Pew Research Center for the People and the Press (2004), Pew Global Nation Survey, “A Year after the Iraq War: Mistrust-Attitudes Project: Nine of America in Europe Ever Higher, Muslim Anger Persists,” March 16.

- Powell, Robert (May 2004), “The Inefacient Use of Power: Costly Conflict with Complete Information,” *American Political Science Review*, Vol. 98, No. 2.

“The Strategy and Tactics of - Price, H. Edward Jr.,(Jannary 1977), Revolutionary Terrorism,” *Comparative Studies in Society and History*, Vol. 19, No. 1.

“Exploring the Bargaining Model of War”, - Reiter, Dan (March 2003), Vol. 1, No. 1. *Perspectives on Politics*,

ave Years of -“Silver Signals: Twenty - Riley, John G. (June 2001), Screening and Signaling,” *Journal of Economic Literature*, Vol. 39, No. 2.

“Ideology in Context: Explaining - Ron, James (September 2001), Sendero Luminoso’s Tactical Escalation,” *Journal of Peace Research*, Vol. 38, No. 5.

Arms and Inouence, New Haven, - Schelling, Thomas C. (1966), Conn.:Yale University Press.

- Schmid, Alex P. and Albert J. Jongman (1988), *Political Terrorism*, Amsterdam:North Holl and Publishing Company.

- Schmid, Jongman et al (1988), *Political Terrorism: A New Guide to Actors, Authors, Concept, Satabases, Theories and Lotature*, Amsterdam: North Holland, Transaction Books.



- Schmidt, Holger (2004), "When (and Why) Do Brokers Have To Be Party Support for Peace Implementation -Honest? Impartiality and Third after Civil Wars, 1945–1999," Georgetown University.
- Secretary of State Condoleezza Rice (2005), "Iraq and U. S. Policy," Testimony before the U.S. Senate Committee on Foreign Relations, October 19, <http://www.foreign.senate.gov/testimony/2005/RiceTestimony051019.pdf>
- terrorist -- Sederberg, Peter C. (August 1995), "Conciliation as Counter Strategy," *Journal of Peace Research*, Vol. 32, No. 3.
- "The Theory of Games and Evolution in - Smith, J. Maynard (1974), Animal Conflicts," *Journal of Theoretical Biology*, Vol. 47.
- A Better War: The Unexamined Victories - Sorley, Lewis (1999), and the Final Tragedy of America's Last Years in Vietnam*, New York: Harcourt.
- "Spoiler Problems in Peace - Stedman, Stephen John (Fall 1997), Processes," *International Security*, Vol. 22, No. 2.
- "Tomorrow's Homework: Reading, Writing, - Stockman, Farah (2006), and Arabic," *Boston Globe*, January 6.
- "Terror as a Weapon of Political - Thornton, Thomas Perry (1964), *Internal War: Problems and Agitation*," in Harry Eckstein, ed., *Approaches*, London: Free Press of Glencoe.
- The Art of War*, New York: Delta. - Tzu, Sun (1998),
- United States Department of Defense (2003), Office of Joint Chiefs 02: Department of Defense Dictionary of -of Staff, Joint Publication 1 Military and Associated Terms, Washington, DC: United States Department of Defense, 12 April 2001 – As amended through 5 June 2003, Online .at:http://www.dtic.mil/doctrine/jel/new_pubs/jp1_02.pdf
- United States National Security Council (November 2005), *National Strategy for Victory in Iraq*, Washington, D. C.: White House, November.



- Wardlaw Grant (1989), *Political Terrorism: Theory, Tactics, and Measures*, Cambridge: CUP. *Counter*
- Wilkinson, Paul (1977), *Terrorism and the Liberal State*, London: Macmillan.
- Plan of Attack*, New York: Simon and - Woodward, Bob (2004), Schuster.
- Woodworth, Paddy (Spring 2001), "Why Do They Kill? The Basque Conflict in Spain," *World Policy Journal*, Vol. 18, No. 1.
- Zegart, Amy B. (Spring 2005), "September 11 and the Adaptation Failure of U.S. Intelligence Agencies", *International Security*, Vol. 29, No. 4.

